

۲۳۰ \_ ای شخص محترم نامه ثانی شما که بتاريخ ۱۹ دسامبر ۱۹۱۸ بود رسید بسیار سبب بهجت و سرور شد زیرا دلالت بر آن مینمود که بر عهد و میثاق ثابت و راسخی و شوق ندای بملکوت الله داری امروز ندای ملکوت قوه جاذبه عالم انسانست زیرا استعداد در نفوس عظیم است تعالیم الهی روح اینعصر است بلکه آفتاب اینعصر است باید هر نفسی همت نماید تا پرده‌ها از دیده‌ها خرق شود فوراً مشاهده آفتاب نمایند و دل و دیده بمشاهده‌اش روشن نمایند حال بعون و عنایت الهیه این قوت هدایت و موهبت رحمانیه در تو موجود گشته لهذا بکمال قوت اقدام نما تا استخوانهای پوسیده را روح بخشی و کورهای مادرزاد را بینا کنی و نفوس پژمرده افسرده را بحرکت آری و طراوت و لطافت بخشی هر سراجی عاقبت خواموش گردد مگر سراج ملکوت که روز بروز بر نور بیفزاید هر ندائی عاقبت ضعیف شود مگر ندای بملکوت الله که روز بروز بلندتر گردد هر طریقی عاقبت اعوجاج یابد مگر طریق ملکوت که روز بروز مستقیم‌تر گردد البته آهنگ آسمانی قیاس بآهنگ زمینی نشود و سراجهای مصنوعی قیاس بآفتاب آسمانی نگردد پس در آنچه باقی و برقرار است باید کوشید تا روز بروز روشنتر شد و روز بروز قوی‌تر شد و روز بروز حیات جدید یافت .... تضرع و زاری بملکوت الهی نمایم تا پدر و مادر و برادرت بنور هدایت در ملکوت الهی داخل گردند \*